



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۱۰، ش ۳ (پیاپی ۵۱)، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صص ۷۱-۹۴

## ساخت اسامی مشتق از پسوند «-گر»

### از منظر صرف ساختی

عادل رفیعی<sup>۱\*</sup>، حدائق رضایی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ایران.

پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۱

دریافت: ۹۶/۹/۱۰

#### چکیده

چندمعنایی موجود در پسوند «-گر»، چگونگی شکل‌گیری آن و نیز توجیه برخی جنبه‌های معنایی در اسامی مشتق از این وند که نمی‌توان آن‌ها را حاصل تجمیع معانی اجزا دانست، مسائلی هستند که در مقاله حاضر بدان‌ها پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر در چارچوب صرف ساختی و بر اساس بررسی ۱۲۴ واژه مشتق از پسوند «-گر» صورت گرفته است. ابتدا واژه‌های جمع‌آوری شده در مقوله‌های معنایی مختلف قرار گرفتند. سپس با بررسی واژه‌های مستخرج مفهوم «عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با مفهوم پایه» به‌عنوان مفهوم آغازین ساخت [X-گر] تشخیص داده شد. سپس نحوه شکل‌گیری مفاهیم «عامل غیرانسانی (ابزار) انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با مفهوم پایه» و «عامل انسانی انجام شغل مرتبط با معنی پایه» از طریق به‌کارگیری سازوکارهای مفهومی به‌دست داده شدند. داده‌های در زمانی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شکل‌گیری زیرطرح‌واره اسم ابزار تحت‌تأثیر وام‌واژه‌های انگلیسی مشتق از پسوند «-er» و از رهگذر عملکرد فرایند تقریب شکل گرفته است. از سوی دیگر، بررسی داده‌های استخراج‌شده مشخص می‌سازد که واژه‌های دارای مفاهیم اسم عامل (غیرشغل) و اسم شغل از دو زیرطرح‌واره مستقل حاصل می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: صرف ساختی، چندمعنایی، اشتقاق، پسوند «-گر»، تقریب.

## ۱. مقدمه

اسامی مشتق از پسوند «-گر» در مقوله‌های معنایی اسم شخص عامل (شغل)، اسم شخص عامل (غیرشغل)، و اسم ابزار قابل دسته‌بندی هستند (رفیعی، ۱۳۸۶). این تنوعات معنایی ماهیتی نظام‌مند دارند؛ بدین معنی که صرفاً متعلق به یک یا چند واژه نیستند؛ بلکه تمامی اسامی مشتق از این پسوند به‌صورتی بالقوه یا بالفعل در این مقوله‌ها جای می‌گیرند.

توجیه فرایندهای ناظر بر شکل‌گیری تنوعات معنایی نظام‌مند در واژه‌های مشتق از این وند و سازوکارهای دخیل در آن مسائلی است که پژوهش حاضر در چارچوب «صرف ساختی»<sup>۱</sup> بدان می‌پردازد. پرسش این است که ساخت واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» چگونه با استفاده از مفهوم طرح‌واره‌های ساختی مطرح در صرف ساختی توصیف می‌شود و نیز شکل‌گیری نظام طرح‌واره‌ای تحت تأثیر چه سازوکارهای شناختی و عوامل در زمانی احتمالی صورت گرفته است.

در این نوشته پس از بخش مقدمه، به پیشینه پژوهش‌های صورت‌گرفته بر روی پسوندهای اسم عامل‌ساز «-گر» اشاره می‌شود. آنگاه در بخش سوم توصیفی مختصر از صرف ساختی ارائه خواهد شد. در بخش چهارم به تنوعات معنایی واژه‌های مشتق از «-گر» می‌پردازیم و نیز معنای بنیادین ساخت مورد بررسی را به‌دست می‌دهیم. سپس در بخش پنجم نظام طرح‌واره‌ای ناظر بر عملکرد پسوند «-گر» - بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج‌شده - به‌صورت مرحله به مرحله به دست داده خواهد شد. بخش ششم نیز به جمع‌بندی مطالب اختصاص دارد.

## ۲. پیشینه پژوهش

مطالعات صورت‌گرفته بر روی وندهای ملقب به اسم عامل‌ساز<sup>۲</sup> را به‌طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد<sup>۳</sup>: دسته‌ای از پژوهش‌ها بدون قائل شدن به وجود معنی برای وند سعی کرده‌اند تنوعات معنایی موجود در واژه‌های مشتق از این وندها - به‌خصوص معنی عاملی - را با اتکا به ساخت موضوعی پایه‌ای که وند بدان افزوده می‌شود توجیه کنند. در این آثار معنای عامل واژه‌های مشتق را برگرفته از نقش تئای موضوع بیرونی پایه‌ای که وند بدان افزوده شده است، می‌دانند. مهم‌ترین مسئله این رویکرد زمانی پیش می‌آید که پایه واژه مشتق از نوع

غیرفعلی و فاقد موضوع بیرونی با نقش تتای عامل باشد. از جمله مهم‌ترین آثار انجام‌شده در این رویکرد می‌توان به فب (۱۹۸۴)، کیسر و روپر (۱۹۸۴)، و بوی (۱۹۸۶) اشاره کرد. در زبان فارسی نیز واحدی لنگرودی و قادری (۱۳۸۹) چنین رویکردی را اتخاذ کرده‌اند.

در دسته دیگری از مطالعات قائل به وجود نوع خاصی از معنی برای وند شده‌اند که اسکلت معنایی<sup>۴</sup> نامیده می‌شود. آنگاه سعی کرده‌اند با قائل شدن به ساخت موضوعی برای وند و اصلی به نام اصل هم‌نمایگی<sup>۵</sup> بین مفهوم وند و موضوع بیرونی پایه ارتباط ایجاد کنند و متعاقباً تنوعات معنایی موجود در واژه‌های مشتق از آن وند را حاصل تعامل بین اسکلت معنایی وند، و اسکلت و بدنه معنایی<sup>۶</sup> پایه دانسته‌اند. با وجود اینکه در رویکرد دوم با قائل شدن به معنی برای وند تنوعات معنایی نظام‌مند تا حدی امکان توجیه می‌یابد؛ اما همچنان مسائل اصلی پابرجاست: اول اینکه هنوز هم در مواردی که پایه از نوع غیرفعلی و به‌طور مشخص غیرفرایندی<sup>۷</sup> باشد امکان توجیه مفهوم عامل وجود ندارد. دوم اینکه معنای منسوب به وند تا حد زیادی ماهیت قراردادی دارد و نمی‌توان شاهدهی مبنی بر وجود آن در دانش زبانی گویشوران به دست داد. سوم اینکه آنچه اصل هم-نمایگی نامیده می‌شود نیز ماهیتی قراردادی دارد و از کفایت توصیفی لازم برخوردار نیست. دو اثر بوی و لیبر (۲۰۰۴) و لیبر (۲۰۰۴) را می‌توان مهم‌ترین آثار انجام‌شده با این رویکرد دانست. در فارسی نیز اثر رفیعی (۱۳۸۶) در این چارچوب انجام شده است.

دو رویکرد ذکرشده در بالا ماهیتی تک‌واژ - بنیاد<sup>۸</sup> دارند. رویکرد سوم به بررسی عملکرد وندهای مشهور به اسم عامل‌ساز - و البته کل فرایندهای صرفی - رویکردی واژه‌بنیاد<sup>۹</sup> به نام صرف ساختی است. این رویکرد با قائل شدن به معنی برای ساخت<sup>۱۰</sup> - با این توضیح که وند نیز جزئی از ساخت در نظر گرفته می‌شود و نقش معنایی‌اش صرفاً درون ساخت قابل توصیف است - می‌تواند مفاهیمی را که نمی‌توان آن‌ها را حاصل تجمیع معانی اجزا دانست، توجیه کند. صرف ساختی را نخستین بار بوی (۲۰۱۰) معرفی کرده است. در بخشی از این اثر وی به توصیف عملکرد وند «-e2» هلندی - که یک وند اسم عامل‌ساز است - می‌پردازد. بوی (۲۰۱۰): ۷۶-۸۱ پس از برشمردن تنوعات معنایی در واژه‌های مشتق از این وند، مفهوم عامل انسانی را مفهوم آغازین در نظر می‌گیرد و آنگاه با اتکا به برخی سازوکارهای مفهومی به توجیه چندمعنایی موجود در واژه‌های مشتق از این وند می‌پردازد. در انجام این کار وی از رویکرد چند معنایی منطقی<sup>۱۱</sup> بهره می‌برد.

از جمله مهم‌ترین آثار انجام‌شده دیگر بر روی چندمعنایی وندهای اسم عامل‌ساز می‌توان به رینر (۲۰۰۵، ۲۰۱۱، ۲۰۱۴)، لوشوتسکی (۲۰۱۱)، و لوشوتسکی و رینر (۲۰۱۱) اشاره کرد. از این میان رینر (۲۰۱۱) به بررسی وندهای اسم عامل‌ساز از منظری بین‌زبانی - شامل ۸۲ زبان از جمله فارسی - پرداخته است.

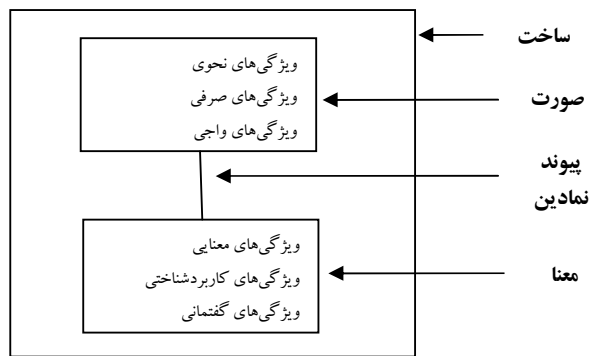
در فارسی نیز ترابی (۱۳۹۳) با اقتباس از بوی (۲۰۱۰) عملکرد وندهای اسم عامل‌ساز شامل «گر»، «بان»، و «چی» را بررسی کرده است. وی آنچه را که ویژگی عامل می‌نامد به- عنوان معنای آغازین ساخت [X-گر] در نظر می‌گیرد و آنگاه مفاهیم ویژگی عامل انسانی، ویژگی عامل غیرانسانی، اسم عامل (غیرشغل)، ابزار و اسم عامل (شغل) را منشعب از آن می‌داند. وی شکل‌گیری مفهوم ابزار را ناشی از عملکرد بسط استعاری جان‌بخشی بیان می‌کند. نهایتاً وی برای اسم شغل به وجود زیرساختی مستقل قائل نمی‌شود و آن را برگرفته از زیرساخت اسم عامل می‌داند. ترابی در تحلیل عملکرد «گر» اگرچه از میان دو رویکرد تک‌معنایی<sup>۱۲</sup> و چندمعنایی<sup>۱۳</sup> به‌کارگیری رویکرد اول را به لحاظ نظری کارساز نمی‌داند؛ اما در عمل با در نظر گرفتن معنایی غیر از یکی از معانی موجود در واژه‌های مشتق به‌عنوان معنای آغازین، از همان رویکرد بهره می‌برد. از سوی دیگر، تحلیل ترابی یک تحلیل هم‌زمانی است. چنانچه در ادامه خواهیم دید بررسی در زمانی داده‌ها نکته‌های مهم و اجتناب‌ناپذیری را از عملکرد پسوند «گر» روشن می‌کند. از دیگر آثار انجام‌شده در واژه‌سازی زبان فارسی با استفاده از صرف ساختی می‌توان به عباسی (۱۳۹۶)، و قادری و رفیعی (۱۳۹۶) اشاره کرد.

در پژوهش حاضر عملکرد پسوند «گر» در چارچوب صرف ساختی و بر اساس بررسی طیف وسیعی از داده‌های هم‌زمانی و در زمانی مورد بررسی قرار گرفته است تا علاوه بر توصیف نظام طرح‌واره‌ای این پسوند، با توصیف سازوکارهای شناختی و عوامل در زمانی دخیل، نحوه شکل‌گیری زیرطرح‌واره‌ها و چندمعنایی موجود توجیه شود.

### ۳. صرف ساختی

صرف ساختی که توسط بوی (2010) معرفی شده است رویکردی «واژه‌بنیاد»<sup>۱۴</sup> به صرف دارد. این رویکرد مفاهیم و اصول بنیادین دستور ساختی گلدبرگ (1995) را در توصیف و تبیین ساختارهای صرفی به‌کار می‌برد. صرف ساختی در پی آن است که فهم عمیق‌تری از

رابطه میان نحو، صرف و واژگان و همچنین مشخصه‌های معنایی واژه‌های غیربسیط فراهم آورد (Booij, 2010b). این رویکرد الگوهای واژه‌سازی را طرح‌واره‌هایی انتزاعی می‌داند که واژه‌های زبان بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرند. صرف ساختی با در نظر گرفتن روابط جانشینی بین گروه واژه‌ها به وجود طرح‌واره‌هایی صرفی<sup>۱۵</sup> قائل می‌شود که تولید و درک واژه‌های جدید بر اساس آن‌ها صورت می‌گیرد. هر طرح‌واره یا ساختی<sup>۱۶</sup> نوعی جفت‌شدگی<sup>۱۷</sup> صورت و معنی است؛ با این توضیح که صورت شامل اطلاعات آوایی و واژ- نحوی<sup>۱۸</sup>، و معنی شامل اطلاعات معنی‌شناختی و کاربردشناختی و گفتمانی است. یک نشانه زبانی را که ساختی صرفی<sup>۱۹</sup> محسوب می‌شود می‌توان به این شکل نشان داد:



نمودار ۱: ساخت در رویکرد صرف ساختی (Croft, 2007: 472)

Figure 1. The symbolic structure of a construction (Croft, 2007: 472)

در صرف ساختی واژه کوچک‌ترین واحد تحلیل و کوچک‌ترین نشانه زبانی محسوب می‌شود و تک‌واژه‌های مقید تنها بخشی از ساختار درونی طرح‌واره‌ها را شکل می‌دهند و سهم معنایی آن‌ها صرفاً از رهگذر معنی منسوب به ساخت صرفی‌ای که جزئی از آن هستند قابل دسترسی است. نمونه‌ای از طرح‌واره‌های مورد استفاده در صرف ساختی به نقل از بوی (2010, 2015) چنین است:

$$\langle [X]_{vi} \text{ er} \rangle_{nj} \leftrightarrow \langle \text{Agent of SEM}_i \rangle_{nj}$$

این طرح‌واره نشان‌دهنده ویژگی‌های عمومی و مشترک تمامی اسم‌های مختوم به «er» با پایه فعلی در زبان انگلیسی است. پیکان دوسویه نشان‌دهنده همبستگی دوسویه صورت و معنای ساخت مدنظر است. گروه‌های دو طرف هر ساخت بیانگر آن است که همبستگی صورت و معنای بیان‌شده در ساخت به صورت قراردادی در واژگان ذهنی گویشوران تثبیت شده است. در این رویکرد طرح‌واره‌های زبانی ساخت‌هایی کلی و با درجه بالای انتزاع هستند که از تعمیم شباهت‌های میان تعدادی ساخت منفرد با کمترین درجه انتزاع در ذهن شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، هرگاه گویشوران زبانی احساس کنند در شبکه زبانی دسته‌ای از واحدهای زبانی موجود ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، درباره شباهت صورت و معنای آن‌ها تعمیمی کلی، طرح‌واره‌ای و انتزاعی در ذهن خود ایجاد می‌کنند و به این ترتیب آن‌ها را زیر آن طرح‌واره به صورت زیرمجموعه‌ای واحد مقوله‌بندی می‌کنند (Booij, 2010a: 2) بنابراین، اساس شکل‌گیری طرح‌واره‌های زبانی و تعیین ویژگی‌های صوری و معنای آن‌ها، روابط جانشینی مجموعه واژه‌های موجود است. به این علت «واژه» در چنین رویکردی کوچک‌ترین واحد تحلیل و نیز کوچک‌ترین نشانه زبانی محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مفاهیمی که صرف ساختی به آن می‌پردازد واژگان است. صرف ساختی واژگان را به صورت شبکه‌ای نظام‌مند و سلسله‌مراتبی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها در نظر می‌گیرد (Booij, 2010: 25-26). همچنین هر واژه مدخلی در واژگان دارد که به سه بخش اطلاعات واجی، واژ - نحوی و معنایی متصل می‌شود.<sup>۲۰</sup> در این رویکرد واژه‌های مدخل‌شده در واژگان به صورت نظام‌مند در قالب زیرمجموعه‌هایی از طرح‌واره‌ها سازماندهی می‌شوند<sup>۲۱</sup> (Booij, 2010: 3-5).

#### ۴. توصیف عملکرد ساخت [X-گر] در زبان فارسی

برای انجام پژوهش حاضر تمامی واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» از دو فرهنگ *زانسو* و فرهنگ ۸ جلدی *سخن* (انوری، ۱۳۸۱) استخراج شد و آنگاه موارد تکراری و مواردی که در فرهنگ بزرگ ۸ جلدی *سخن* برجسب قدیمی و غیرمتداول داشت کنار گذاشته شد.<sup>۲۲</sup> همچنین برای اطلاع از نحوه عملکرد این پسوند در اشتقاق موارد کاملاً جدید، نواژه‌های تک‌بسامدی

مشتق از این پسوند نیز از پیکره پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی استخراج شد.<sup>۳۳</sup> با این توصیف، تعداد ۱۸۲ واژه مشتق از پسوند «-گر» داده‌های پژوهش حاضر را تشکیل داده است. سپس داده‌های استخراج‌شده از منابع فوق در پیکره در زمانی فرهنگ‌یار<sup>۳۴</sup> جست‌وجو شدند و شاهد‌های موجود برای واژه‌هایی که در این پیکره وجود داشتند به تفکیک اثر و زمان کاربردشان استخراج شدند. داده‌های مستخرج از دو فرهنگ *زانسو* و *فرهنگ بزرگ سخن* آن دسته از واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» را پوشش دادند که در زبان فارسی واژگانی شده و جاافتاده‌اند. این واژه‌ها سپس در فرهنگ در زمانی فرهنگ‌یار جست‌وجو شدند تا تغییرات در زمانی احتمالی در عملکرد این پسوند در واژه‌سازی زبان فارسی مورد بررسی قرار گیرد. استخراج نوواژه‌های تک‌بسامدی مستخرج از پیکره پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز با هدف اطلاع از آخرین وضعیت عملکرد پسوند مورد بررسی در ساخت نوواژه‌ها صورت گرفته است.

در بخش بعدی ابتدا به مفهوم مشترک در بین تمامی واژه‌های مشتق از «-گر» پرداخته می‌شود، آنگاه به توصیف تنوعات معنایی نظام‌مند موجود در این واژه‌ها می‌پردازیم. بر اساس آنچه در این دو بخش ذکر می‌شود، در بخش بعدی معنای آغازین نظام طرح‌واره‌ای ساخت [X-گر] به دست داده می‌شود. در بخش ۵ نحوه شکل‌گیری نظام طرح‌واره‌ای این ساخت توصیف می‌شود. بخش ۶ نیز به جمع‌بندی مطالب ذکر شده اختصاص دارد.

#### ۴-۱. مفهوم مشترک در واژه‌های مشتق از «-گر»

با بررسی واژه‌های استخراج‌شده مشخص می‌شود مفهوم عامل تنها در واژه‌هایی که پایه‌هایشان متعلق به مقوله نحوی اسم مصدرند و لذا مفهومی فرایندی دارند مشاهده نمی‌شود؛ بلکه این مفهوم چه در ساخت واژه‌هایی مثل «کاشیگر»، «شیشه‌گر»، «آشگر»، «سفالگر»، «آهنگر»، «مسگر» و «کوزه‌گر»، که پایه‌هایی از جنس اسم اشیا و مواد دارند و چه در مواردی مانند «آسان‌گر»، «سفیدگر»، «فعالگر» و «شناساگر» که پایه‌هایی متعلق به مقوله نحوی صفت دارند، نیز دیده می‌شود. وجود پایه‌هایی از نوع اسم عینی و صفت مانع از آن است که بتوان مفهوم عامل را مفهومی برگرفته از تجمیع معانی اجزا یا به وراثت‌رسیده از نقش‌تتایی موضوعات پایه دانست.

در رویکرد صرف ساختی الگوهای اشتقاقی هر یک به صورت یک اصطلاح ساختی<sup>۲۰</sup> در نظر گرفته می‌شود که عضو ثابت آن‌ها وند و عضو متغیرشان پایه است؛ با این توضیح که صرف ساختی با داشتن رویکردی واژه - بنیاد به صرف، قائل به وجود مدخل واژگانی و لذا معنی برای وند نیست؛ بلکه نقش وند صرفاً در درون ساخت و به عنوان بخشی از آن قابل شناسایی است (Booij, 2005: 55). معنای مشترک محصولات هر اصطلاح ساختی نیز به- عنوان معنایی برآمده از ساخت در نظر گرفته می‌شود که الزاماً از تجمیع معنای عناصر تشکیل‌دهنده واژه‌ها قابل برداشت نیست.

با توجه به این مطلب می‌توان مدعی شد از آنجا که مفهوم عامل انجام‌دهنده عمل مرتبط با مفهوم پایه در تمامی واژه‌های مشتق از این پسوند وجود دارد و از سوی دیگر نمی‌توان آن را حاصل تجمیع معنای اجزا دانست، این مفهوم در معنای ساخت ریشه دارد و لذا فارغ از مقوله و نوع مرجع پایه‌هایی که در این ساخت قرار می‌گیرد بر تمام محصولات آن اعمال می‌شود. حال باید به مفهومی پرداخت که اساس نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر» را تشکیل می‌دهد. در این راستا در بخش بعد به چند معنایی موجود در واژه‌های مشتق از این وند پرداخته می‌شود تا متعاقباً بر اساس چندمعنایی منطقی یکی از معنای به عنوان معنای آغازین ساخت انتخاب شود.

#### ۴-۲. تنوعات معنایی نظام‌مند در واژه‌های مشتق از «-گر»

در این بخش با بررسی داده‌های استخراج‌شده، تنوعات معنایی واژه‌های مشتق از «-گر» در سه دسته توصیف می‌شود تا بر اساس آن در بخش بعدی معنای آغازین ساخت مشخص شود. طبق آنچه رفیعی (۱۳۸۶) بیان می‌کند و بر اساس بررسی داده‌های استخراج‌شده، تنوعات معنایی نظام‌مند واژه‌های مشتق از «-گر» در سه مقوله کلی زیر قابل دسته‌بندی است:

الف. اسم شخص عامل (شغل)

واژه‌های این گروه به عاملی انسانی دلالت دارند که دارای شغلی مرتبط با معنای پایه است، از جمله این واژه‌ها می‌توان به «تدوینگر»، «آهنگر»، «کوزه‌گر» و «سفیدگر»<sup>۲۶</sup> اشاره کرد. این گروه از واژه‌ها در مجموع دارای سه نوع پایه هستند: پایه دسته‌ای از این واژه‌ها - مانند «تدوینگر» و «آرایشگر» - به یک عمل اشاره دارند و به مقوله نحوی اسم مصدر متعلق‌اند. پایه دسته‌ای دیگر از واژه‌های این زیرمجموعه اسم اشیا و مواد است؛ مانند «کوزه» و «آهن» به



ترتیب در «کوزه‌گر» و «آهنگر». واژه «سفیدگر» نیز تنها واژه درون این گروه است که پایه‌ای متعلق به مقوله نحوی صفت دارد.

ب. اسم شخص عامل (غیرشغل)

واژه‌های این زیرمجموعه که همگی دارای پایه‌هایی از مقوله نحوی اسم مصدر هستند برای نامیدن اشخاصی به‌کار می‌روند که فعالیت و عمل بیان‌شده در پایه را با انگیزه‌ای غیر از تأمین معاش انجام می‌دهند، مانند «پرستشگر»، «ایثارگر»، «تماشاگر»، «گردشگر»، «اخلالگر»، «پرخاشگر» و «اغواگر».

پ. اسم شیء عامل (ابزار)

واژه‌های این گروه دلالت بر ابزار - چه سخت‌افزار و چه نرم‌افزار - دارند. از جمله این واژه‌ها می‌توان به «چاپگر»، «نمایشگر»، «آسانگر»<sup>۳۷</sup> و «شناساگر»<sup>۳۸</sup> اشاره کرد. پایه دسته‌ای از این واژه‌ها مانند «چاپگر» و «نمایشگر» به مقوله نحوی اسم مصدر تعلق دارد و پایه دسته‌ای دیگر متعلق به مقوله نحوی صفت است، مانند «شناساگر» و «آسانگر».

در میان واژه‌های مورد بررسی مواردی نیز دیده می‌شوند که به‌طور بالقوه می‌توانند به بیش از یکی از گروه‌های «الف» تا «پ» تعلق داشته باشند؛ برای مثال واژه‌های «درمانگر» و «نگارگر» هم می‌توانند به اشخاصی اشاره کنند که اعمالی را به هدف کسب درآمد انجام می‌دهند و هم افرادی که هدف معیشتی ندارند. همین‌طور واژه‌ای مانند «ویرایشگر» علاوه بر اشاره به افرادی که ویرایش محتوای وب، متون و تصاویر را انجام می‌دهند می‌تواند برای دلالت به انواع نرم‌افزارهای ویرایش تصویر، متن و فیلم نیز به‌کار رود.

#### ۳-۴. معنای بنیادین در نظام طرح‌واره‌ای ساخت [x-گر]

پس از مشخص شدن تنوعات معنایی واژه‌های مشتق از «-گر»، حال لازم است به معنای بنیادینی پرداخت که تنوعات معنایی از آن نشئت گرفته‌اند. برای تحلیل الگوهای صرفی دارای تنوعات معنایی نظام‌مند می‌توان دو رویکرد عمده تک‌معنایی<sup>۳۹</sup> و چندمعنایی<sup>۴۰</sup> را مفروض داشت (Booij, 2010: 77). رویکرد تک‌معنایی در توجیه تنوعات معنایی یک الگو معنایی بسیار کلی، انتزاعی و مبهم را با در نظر گرفتن معنای مشترک در محصولات الگو و نیز معنای اجزای سازنده آن به ساخت منسوب می‌کند. به این ترتیب در این رویکرد ساخت از آغاز به‌صورت

بالقوه، چندمعنایی دارد و این امر در ادامه می‌تواند به تنوعات معنایی منجر شود. در مقابل در رویکرد چندمعنایی به جای قائل شدن به معنایی کلی و مبهم برای ساخت، با بررسی تنوعات معنایی و واژه‌های متعلق به هر زیرمجموعه، یکی از معانی به‌عنوان معنای آغازین و سرنمونی ساخت در نظر گرفته می‌شود. این معنای آغازین در ادامه می‌تواند مبنای عملکرد سازوکارهای مفهومی نظیر استعاره و مجاز واقع شود و معانی و زیرساخت‌های دیگر را به‌دست دهد. ازجمله رایج‌ترین روندهای شکل‌گیری زیرساخت‌های جدید این است که ابتدا تحت عملکرد سازوکارهای مفهومی محصولاتی تولید می‌شوند که ساخت برای تولید آن‌ها شکل نگرفته است و با مشخصات معنایی ساخت انطباق کامل ندارند. امکان شکل‌گیری چنین واژه‌هایی که تا حدی ناقص برخی از جنبه‌های یک ساخت هستند اصطلاحاً از طریق دریافت مجوز ناقص<sup>۳۱</sup> از یک ساخت میسر می‌شود. در صورت دریافت مجوز ناقص برای تولید واژه‌های بیشتر، به‌تدریج امکان شکل‌گیری زیرساختی جدید از ساخت اولیه فراهم می‌شود که با اعطای مجوز کامل<sup>۳۲</sup> می‌تواند محصولاتی مستقل اما مرتبط با معنای ساخت آغازین به دست دهد. این روند در ادامه می‌تواند به یک نظام سلسله‌مراتبی با ماهیتی چندمعنی منجر می‌شود (Traugott & Trousedale, 2013 : 50). صرف ساختی با بهره‌گیری از منظری کاربردمحور<sup>۳۳</sup> رویکردی چندمعنایی در تحلیل ساخت‌های زبانی اتخاذ کرده است و لذا در نظر گرفتن یکی از معانی رایج را به‌عنوان معنای آغازین مقبول می‌داند.

با این توضیح مسئله تنوع معنایی مجموعه‌های مختلف محصولات الگوی واژه‌سازی «-گر» را از طریق رویکرد چندمعنایی‌شدگی پی می‌گیریم. برای این کار لازم است مفهوم آغازینی که مفاهیم دیگر از آن نشئت گرفته‌اند، مشخص شود. با بررسی واژه‌هایی که دربردارنده مفاهیم عامل انسانی (شغل)، و عامل انسانی (غیرشغل) و ابزار هستند مفهوم عامل انسانی (غیرشغل) بی‌نشان‌ترین و محتمل‌ترین مفهوم آغازین در نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر» به نظر می‌رسد. در تأیید این ادعا می‌توان سه دلیل را مطرح کرد:

اول) مفهوم عامل انجام عمل بر عامل انجام عملی به‌عنوان شغل، نوعی اولویت معنایی دارد. به عبارت ساده‌تر هر اسم شغلی نوعی اسم عامل است؛ اما وضعیت عکس آن همواره صادق نیست. اینکه واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» به‌عنوان اسم شغل به‌کار روند یا خیر کاملاً به اطلاعات برون‌زبانی و مشخصاً آنچه در جامعه شغل دانسته می‌شود وابسته است. از

این رو، واژه‌هایی مثل «نگارگر»، «پژوهشگر»، «امدادگر» و نظایر آن بر اساس ملاحظات اجتماعی و گاه بافتی شغل یا غیرشغل در نظر گرفته می‌شوند.<sup>۳</sup>

دوم) مفهوم ابزار می‌تواند از رهگذر سازوکار استعاری جان‌بخشی از مفهوم عامل انسانی برگرفته شود. این در حالی است که اگر مفهوم آغازین را اسم شغل در نظر بگیریم توجیه شکل‌گیری مفهوم ابزار از شغل اگر امکان‌پذیر نباشد دست‌کم بسیار دشوار خواهد بود. شاید به همین دلیل است که در واژه‌های مشتق از پسوند «-چی» که به‌نظر می‌رسد دارای مفهوم بنیادین اسم شغل باشند، شاهد اسم ابزار نیستیم.

سوم) در میان واژه‌های مستخرج موارد زیادی به چشم می‌خورند که حتی به‌صورت بالقوه نیز نمی‌توان مفهوم شغلی برایشان قائل شد. از جمله این واژه‌ها می‌توان به «استعارگر»، «اشغالگر»، «انحصارگر»، «بیدادگر»، «ستمگر»، «سوداگر» و جز آن اشاره کرد. گفتنی است که از بین ۱۸۲ واژه مورد بررسی تنها حدود ۲۰ درصد به‌عنوان اسم شغل به‌کار می‌روند. با توجه به این مطالب ساخت بنیادین نظام طرح‌واره‌ای «-گر» را شاید بتوان بدین صورت به دست داد:

< [عامل انسانی انجام عمل مرتبط با معنی  $X_i$ ] ↔  $[X_i\text{-gar}]_{NI}$  >

اما بررسی دقیق‌تر واژه‌های مشتق از «-گر» لزوم افزودن دو ویژگی معنایی دیگر را به ساخت بنیادین پیش می‌کشد. دقت در نمونه‌هایی مانند «رفتگر»، «شکارگر»، «عشوگر» و «شناگر» نشان از آن دارد که نمی‌توان صرفاً رساندن مفهوم عامل انسانی را هدف اصلی این وند در نظر گرفت؛ بلکه محصولات این ساخت برای ارجاع به افرادی به‌کار می‌روند که در مقایسه با دیگران در انجام آن عمل خاص نوعی مداومت و استمرار دارند و به‌واسطه انجام آن عمل متمایز شده‌اند. با این توضیح می‌بایست معنی آغازین ساخت را عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه دانست که به‌صورت زیر نمایش داده می‌شود:

< [عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی  $X_i$ ] ↔  $[X_i\text{-gar}]_{NI}$  >

به‌سبب برخورداری از معنای متمایزکنندگی است که اعمال روزمره‌ای که همگان به‌صورت مداوم آن را انجام می‌دهند نمی‌تواند مبنای مقوله‌بندی با استفاده از «-گر» قرار گیرد و لذا واژه‌هایی مانند «خواب‌گر»، «استحمام‌گر!» و جز آن شکل نمی‌گیرند. از سوی دیگر، برای اشاره به شخصی که مثلاً یک عملی را - هر چند به شکلی متمایز - انجام دهد از واژه‌های مشتق از «-گر»

استفاده نمی‌شود. برای نمونه کسی را که یک بار کوزه‌ای گلی ساخته باشد کوزه‌گر نمی‌نامند؛ بلکه کوزه‌گر به کسی گفته می‌شود که عملی متمایز کننده را به صورت مداوم انجام دهد. از این روست که هر دو ویژگی متمایزکنندگی و انجام مداوم عمل در معنای این ساخت مفروض است.<sup>۳۰</sup> انجام مداوم و متمایز عملی مرتبط با مفهوم پایه می‌تواند شکل‌گیری مفاهیمی چون شغل، مبالغه، و علاقه‌مندی را در پی داشته باشد.

## ۵. نظام طرح‌واره‌ای سلسله‌مراتبی ساخت [X-گر]

پس از مشخص شدن معنای بنیادین نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر»، در این بخش به ارائه‌ی نمایی کلی از عملکرد این الگو و شکل‌گیری تنوعات معنایی در واژه‌های مشتق از آن می‌پردازیم. با پذیرش معنای «عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» به‌عنوان معنای سرنمونی الگوی اشتقاقی «-گر» حال به نحوه‌ی شکل‌گیری دو مفهوم دیگر این الگو، یعنی ابزار و اسم شغل، می‌پردازیم.

### ۵-۱. شکل‌گیری مفهوم ابزار

با الگوگیری از تحلیل بوی (2010)، ترابی (۱۳۹۳) عامل مؤثر در شکل‌گیری زیرطرح‌واره‌ی ابزار را در واژه‌های مشتق از «-گر» بسط استعاری مفهوم عامل انسانی می‌داند. به این صورت که گویشوران زبان فارسی در ابتدا از رهگذر تفکر استعاری و اخذ مجوز ناقص از طرح‌واره‌ی عامل انسانی توانسته‌اند مثلاً ابزاری را که برای ویرایش اطلاعات طراحی شده است، شبیه به انسانی تصور کنند که عمل ویرایش را انجام می‌دهد و لذا از اسم «ویرایشگر» که پیش از این برای نامیدن شخص به‌کار می‌رفته است، برای ارجاع به آن ابزار نیز استفاده کنند. طبق مبانی صرف ساختی می‌توان تصور کرد چنانچه گویشوران مواردی کافی از اسم شخص را برای دلالت به ابزار به‌کار برند، به‌تدریج ممکن است طرح‌واره‌ی خاص ناظر بر ساخت ابزار از طرح‌واره‌ی اسم شخص عامل منشعب شود و بعد از آن اسامی ابزار مستقیماً از این طرح‌واره‌ی جدید مجوز تولید دریافت کنند. به این فرایند که طی آن طرح‌واره‌ی از رهگذر اعطای مجوز ناقص به‌تدریج به دو یا چند طرح‌واره‌ی مستقل اما مرتبط تقسیم می‌شود بازتحلیل<sup>۳۱</sup> گفته می‌شود (Rainer: 2005). در توجیه چگونگی شکل‌گیری چندمعنایی عامل - ابزار به‌واسطه‌ی فرایند استعاری جان‌بخشی

پیشینه درخور توجهی وجود دارد و ایده وجود رابطه‌ای ویژه میان مفهوم عامل و ابزار به قرن نوزدهم بازمی‌گردد (Luschützky & Rainer, 2011). از نخستین پژوهشگرانی که به بررسی این موضوع پرداخته و فرضیه بسط استعاری جان‌بخشی را مطرح کرده است می‌توان به میبرلوبکه<sup>۳۷</sup> (1890) اشاره کرد. از جمله مهم‌ترین پژوهشگران متأخر تأییدکننده این فرضیه نیز می‌بایست از لوتکه<sup>۳۸</sup> (2005: 252) و بوی (1986, 2005) نام برد. بسط استعاری مفهوم عامل به هستار بی‌جان در طول قرن بیستم میلادی امری بدیهی شمرده می‌شده است (Luschützky & Rainer, 2011). به گفته رینر (2011) نخستین کسی که درباره این فرضیه سنتی مناقشه کرد، پناگل<sup>۳۹</sup> (1975, 1978) است. پناگل (1975) با بررسی داده‌هایی از زبان آلمانی به این نتیجه رسید که فرضیه بسط استعاری در این زبان با شکست مواجه می‌شود؛ زیرا بر اساس فرضیه مذکور برای هر اسم ابزاری باید همتای اسم عاملی وجود داشته باشد که اسم ابزار از آن مشتق شده است؛ در حالی که برای بیشتر اسامی ابزار مختموم به -er در زبان آلمانی همتای اسم عامل وجود ندارد (Rainer, 2011). همسو با پناگل (1975)، برد<sup>۴۰</sup> (1990) نیز فرضیه سنتی بسط استعاری عامل به ابزار را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. همچنین، رینر (2004a, 2004b, 2005, 2011) و لوشوتسکی و رینر (2011) نشان می‌دهند همواره نمی‌توان به فرایند بسط معنایی از مفهوم عامل به مفهوم ابزار قائل شد و عوامل دیگری نظیر تغییر آوایی، حذف<sup>۴۱</sup>، قرض‌گیری و قیاس<sup>۴۲</sup> می‌تواند در شکل‌گیری این مفهوم دخیل باشند.

هم‌راستا با یافته‌های رینر (2004a, 2004b, 2005, 2011) و لوشوتسکی و رینر (2011) به لحاظ در زمانی وضعیت واژه‌های مشتق از «-گر» فرضیه سنتی بسط استعاری مفهوم عامل به ابزار را تأیید نمی‌کند؛ زیرا همان طوری که پناگل (1975) در زبان آلمانی نشان داده است اگر چنین فرضیه‌ای درست می‌بود منطقاً می‌بایست دست کم بخش مهمی از واژه‌های مشتق از این پسوند ابتدا در مفهوم عامل، سپس به‌طور هم‌زمان در دو معنی عامل و ابزار، و در نهایت صرفاً در معنی ابزار به‌کار می‌رفتند. نگاهی به ابزار واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» چنین وضعیتی را تأیید نمی‌کند. طبق داده‌های در زمانی استخراج‌شده از پیکره در زمانی فرهنگ‌یار زبان فارسی - غیر از واژه «چاپگر» - هیچ‌کدام از ابزار واژه‌های مورد بررسی در معنی شخص عامل به‌کار نرفته‌اند. برای نمونه می‌توان به واژه‌های «القاکر»، «شمارشگر»، «شناساگر»، «نوسانگر» و «مرورگر» اشاره کرد. نکته مهم دیگر این که اساساً در برخی از موارد مثل

«نوسانگر» تصور بسط استعاری اسم شخص عامل به اسم ابزار به لحاظ معنایی غیرممکن است. دربارهٔ واژهٔ «چاپگر» نیز داده‌ها نشان می‌دهد که این واژه در ابتدا به صورتی محدود برای اشاره به شخصی که در چاپخانه کار می‌کند، به کار می‌رفته است؛ اما بعدها برای اشاره به دستگاه چاپ به کار رفته است بدون آنکه مرحله‌ای بینابین دال بر کاربرد هم‌زمان این واژه برای اشاره به شخص و دستگاه وجود داشته باشد.

نکر دو نکتهٔ دیگر برای توصیف وضعیت واژه‌سازی ساخت [X-گر] در اینجا ضروری است: اول آنکه طبق بررسی داده‌های پیکرهٔ فرهنگ‌یار واژه‌های دارای مفهوم ابزار مشتق از «-گر»، تنها از حدود نیمهٔ دوم قرن حاضر (شمسی) به این سو در زبان فارسی شکل گرفته‌اند به طوری که قبل از آن حتی شاهد یک مورد ابزارواژهٔ مشتق از این پسوند نیستیم. با توجه به این که ربع دوم قرن حاضر را می‌توان نقطهٔ شروع ورود خیل فناوری به کشور - به ویژه از کشورهای انگلیسی-زبان - دانست، به نظر می‌رسد ارتباطی بین استفاده از ساخت [X-گر] در ساخت ابزارواژه‌ها و ورود ابزارواژه‌های انگلیسی باشد.

نکتهٔ دوم آنکه واژه‌های انگلیسی معادل ابزارواژه‌های مشتق از «-گر» تماماً واژه‌های مشتق از پسوند «-er» هستند. جدول ۱ برخی از ابزارواژه‌ها و معادل‌های انگلیسی آن‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۱: ابزارواژه‌های فارسی و معادل انگلیسی آن‌ها

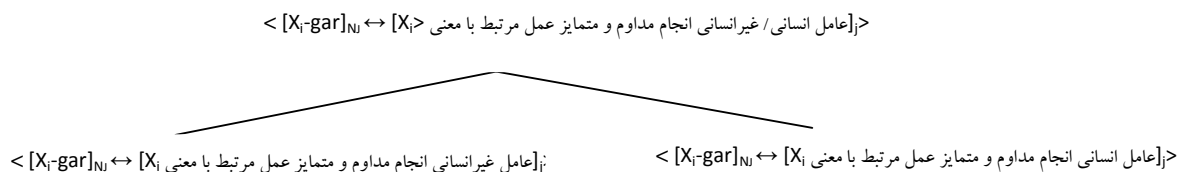
Table 1. Persian Instrument nouns and their English equivalents

ابزارواژهٔ فارسی	معادل انگلیسی	ابزارواژهٔ فارسی	معادل انگلیسی
تابشگر	radiator	شمارشگر	counter
تناوبگر	alternator	شناساگر	indicator
چاپگر	Printer	القاگر	inductor
حسگر	sensor	مرورگر	browser
شتابگر	accelerator	نوسانگر	oscillator

با در نظر گرفتن این نکته‌ها و با توجه به اینکه پسوند «-گر» از بین وندهای ملقب به اسم-عامل‌ساز فارسی شامل «-گر»، «-بان»، «-چی»، «-نده»، و «-مند»، بیشترین شباهت را - چه به لحاظ نقشی و چه صوری - با پسوند «-er» دارد، این فرضیه تقویت می‌شود که شروع استفاده از ساخت [X-گر] در مفهوم ابزار - نه از رهگذر فرایند بسط استعاری جان‌بخشی - بلکه تحت

تأثیر ورود وام‌واژه‌های صنعتی و علمی انگلیسی - که ناظر بر ابزارهایی هستند که تا حد زیادی خود عملی را انجام می‌دهند و عاملیت انسانی در آن‌ها کم‌رنگ‌تر است<sup>۴۳</sup> - و بر اساس نوعی ترجمه قرضی صورت گرفته است. اگرچه می‌توان به صورت بالقوه ابزار پیچیده را شبیه به شخصی عامل تصور کرد؛ اما بالفعل شدن چنین انشعابی در ساخت [X-gar] نیازمند عاملی برون‌زبانی، یعنی ورود ابزارواژه‌های پیچیده از زبان انگلیسی بوده است.

باید توجه داشت که اگرچه بررسی درزمانی ابزارواژه‌های مشتق از «گر» فرایند بازتحلیل مبنی بر عملکرد فرایند بسط استعاری بر روی تک‌واژه‌ها و متعاقباً شکل‌گیری یک زیرساخت جدید را تأیید نمی‌کند، با این حال نمی‌توان تأثیر بسط استعاری را به‌طور کلی نادیده گرفت؛ بلکه می‌توان متصور شد که این فرایند نه در سطح واژگانی بلکه در سطح طرح‌واره‌ای رخ داده است. طی چنین فرایندی که اصطلاحاً فرایند تقریب<sup>۴۴</sup> نامیده می‌شود یک طرح‌واره می‌تواند تحت‌تأثیر عوامل مختلفی از جمله بسط استعاری از سوی گویشوران به یک باره برای ساخت واژه‌هایی با معنایی نزدیک به آن ساخت به‌کار رود (Rainer, 2005; Arcodia, 2014). پس از شکل‌گیری طرح‌واره عامل غیرانسانی (ابزار)، طرح‌واره انتزاعی‌تر و ناظر عامل انسانی/غیرانسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه شکل می‌گیرد. نمودار شماره ۱ نشان‌دهنده چنین وضعیتی است:



..... نمودار ۲: نظام طرح‌واره‌ای پسوند «گر» و شکل‌گیری زیرطرح‌واره ابزار

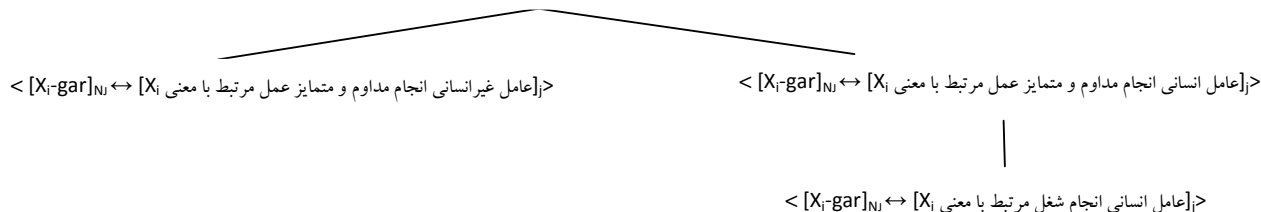
**Figure 2.** Hierarchical structure of -gar and the development of instrument sub-schema

با توجه به وجود مقوله‌های معنایی اسم شغل و اسم شخص عامل (غیرشغل) در دسته‌بندی واژه‌های مشتق از «گر»، حال این مسئله مطرح است که آیا گویشوران زبان فارسی دو طرح-واره مستقل دارند که یکی از آن‌ها به تولید اسم شغل و دیگری به تولید اسم عامل (غیرشغل)

اختصاص یافته است یا اینکه تنها یک طرح‌واره با معنی اسم عامل وجود دارد و واژه‌های دارای مفهوم شغلی برگرفته از آن ساخت هستند.

بدیهی است چنانچه شاهد واژه‌هایی با مفهوم صرفاً شغلی باشیم که از ابتدا برای اشاره به شغل ساخته شده باشند می‌توان نتیجه گرفت زیرساخت ویژه اسم شغل در نظام طرح‌واره‌ای «-گر» شکل گرفته است. وجود واژه‌هایی چون «آرایشگر»، «آشگر»، «آهنگر»، «برزگر»، «چلنگر»، «درودرگر»، «رفتگر»، «رویگر»، «زرگر»، «شیشه‌گر»، «کارگر»، «لولوگر» و جز آن تأییدکننده وجود چنین طرح‌واره‌ای است. با توجه به این مطلب صورت نهایی نظام طرح‌واره‌ای ساخت [X-گر] به شکل زیر به دست داده می‌شود:

<[عامل انسانی / غیرانسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی  $X_i$ ] ↔ [X<sub>i</sub>-gar]<sub>NI</sub>>



نمودار ۳: نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر» و شکل‌گیری زیرطرح‌واره اسم شغل

Figure 3. Hierarchical structure of -gar and the development of occupation nouns sub-schema

## ۶. نتیجه

در این مقاله نظام طرح‌واره‌ای ساخت [X-گر] در چارچوب صرف ساختی مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور پس از مقدمه، در بخش دوم و سوم به صورتی مختصر ابتدا نگاهی به پیشینه پژوهش شد و سپس صرف ساختی معرفی گردید. آنگاه در بخش چهارم به بررسی عملکرد ساخت [X-گر] پرداخته شد. پس از پرداختن به مفهوم مشترک در واژه‌های مشتق از ساخت [X-گر]، ساخت آغازین طرح‌واره به دست داده شد. در ادامه نظام طرح‌واره‌ای سلسله‌مراتبی این ساخت‌وساز و کارهای دخیل در شکل‌گیری آن به صورت مرحله به مرحله مشخص شد.



با بررسی واژه‌های مستخرج چنین استدلال شد که ساخت [X-گر] اساساً یک ساخت سازنده «عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» است. همچنین استدلال شد که «عامل غیرانسانی (ابزار) انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» تحت‌تأثیر وام-واژه‌های انگلیسی مشتق از پسوند «-er» و از رهگذر عملکرد فرایند تقریب شکل گرفته است. درنهایت، با تأیید وجود دو ساخت متفاوت برای مفاهیم شغل و غیرشغل، انگاره نهایی نظام طرح‌واره‌ای سلسله‌مراتبی ساخت [X-گر] به‌دست داده شد.

درنهایت مسئله مهمی که در توصیف عملکرد پسوند «-گر» باید بدان پرداخت کارکرد دوگانه اسمی - صفتی اغلب واژه‌های مشتق از این وند به‌عنوان پدیده‌ای بسیار رایج است. تعلق به دو طبقه واژگانی مشهور به اسم فاعلی و صفت فاعلی امری است که هم در مدخل چنین واژه‌هایی در فرهنگ‌های لغت مشاهده می‌شود و هم در سنت مطالعات صرف فارسی بدان اشاره شده است (طباطبائی، ۱۳۸۲؛ رفیعی، ۱۳۸۶). برای نمونه واژه‌هایی با کارکرد دوگانه می‌توان به «بازیگر» و «چاپگر» اشاره کرد. در حالی که این دو واژه به ترتیب اسم شخص و اسم ابزار هستند، در عبارات «آقای بازیگر» و «دستگاه چاپگر» نقش صفتی دارند. این وضعیت به‌روشنی در واژه‌های مشتق از دیگر وندهای ملقب به اسم‌عامل‌ساز نظیر «بان»، «چی»، و «نده» و نیز ترکیبات حاصل از ساخت‌های [X-ستاک حال فعل] نظیر «پلوپن»، «مین‌یاب»، «نورافکن» و جز آن نیز دیده می‌شود. با توجه به اهمیت و وسعت کار، پرداختن به این مسئله نیازمند پژوهشی دیگر است.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. construction morphology
2. agentive suffixes
۳. به این دسته از مطالعات می‌توان مطالبی را که در دستورهای سنتی ذکر شده و نیز برخی آثار توصیفی که از چهارچوب نظری خاصی تبعیت نمی‌کنند افزود. مهم‌ترین این آثار در زبان فارسی عبارتند از صادقی (۱۳۷۰-۱۳۷۲)، کشانی (۱۳۷۲) و طباطبائی (۱۳۸۴).
4. semantic skeleton
5. co-indexation principle
6. semantic body
7. non-processual
8. morpheme-bases

9. lexeme- based
10. construction
11. logical polysemy
12. monosemy
13. polysemy
14. lexeme-based
15. morphological schema
16. construction
17. pairing
18. morpho-syntactic
19. morphological construction

۲۰. شایان ذکر است در صرف ساختی بازنمود بُعد واجی اقلام واژگانی فقط در صورت نیاز، به عنوان مثال در بررسی تغییرات واجی، در بازنمودهای واژگانی لحاظ می‌شود و بازنمودهای واژگانی در این رویکرد اغلب شامل بُعد واژ - نحوی به عنوان صورت و بُعد معنایی هستند (بوی، ۲۰۱۰).

۲۱. برای مطالعه بیشتر در مورد صرف ساختی و دستور ساختی می‌توان به ترتیب به بوی (۲۰۱۰) و کرافت (۲۰۰۶) مراجعه کرد. در زبان فارسی نیز می‌توان به رفیعی (۱۳۹۱)، رفیعی و ترابی (۱۳۹۳)، و عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۵) مراجعه کرد.

۲۲. به عنوان نمونه‌ای از واژه‌های قدیمی می‌توان به «گروگر» به معنی «یکی از نام‌های خداوند» اشاره کرد.

۲۳. در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از زحمات جناب آقای دکتر مسعود قیومی، عضو گروه زبان-شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که داده‌های لازم را در اختیار نگارندگان قرار دادند تشکر کنیم.

۲۴. پیکره فرهنگ‌یار زبان فارسی تنها پیکره در زمانی موجود زبان فارسی است که از سال ۱۳۶۷ کار گردآوری آن در فرهنگستان زبان و ادب فارسی شروع شده و تا به حال نیز ادامه دارد. این پیکره آثار فراوانی از قرن چهارم هجری تا دوره معاصر را دربرمی‌گیرد. نگارندگان مقاله حاضر مایلند مراتب تشکر و قدردانی خود را از مسئولین محترم فرهنگستان به ویژه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم و کارشناس محترم مربوطه - جناب آقای اردوان امیری‌نژاد - که مساعدت‌های لازم را مبذول فرمودند، ابراز دارند.

## 25. Constructional idiom

۲۶. کسی که ظرف‌های مسی را قلع‌اندود و سفید می‌کند تا از خوردگی مس و مسموم شدن محتویات ظروف مسی جلوگیری شود.

۲۷. ماده‌ای که اگر به مخلوط در حال واکنش شیمیایی افزوده شود، سرعت رسیدن مخلوط به حالت تعادل را افزایش می‌دهد.

۲۸. معرف، ماده‌ای که با کمک آن می‌توان تشخیص داد که محلولی اسیدی یا بازی است.

29. monosemy
30. polysemy
31. partial sanction
32. total sanction
33. usage-based

۳۴. در چهارچوب صرف ساختی البته می‌توان به وجود ساختی قائل شد که از ابتدا به منظور ساخت اسم شغل به کار رفته است. در چنین شرایطی مفهوم عامل انسانی عملی با هدف شغلی را می‌بایست مفهوم بنیادین این طرح‌واره در نظر گرفت. به نظر می‌رسد پسوند «چی» در زبان فارسی - دست کم در دوره زمانی خاصی - از چنین ویژگی‌ای برخوردار بوده است. در چنین شرایطی برخلاف آنچه در مورد واژه‌های مشتق از «گر» شاهدیم انتظار حضور گسترده واژه‌هایی با مفاهیم بینابینی شغل و غیرشغل نمی‌رود. بدیهی است که توصیف نظام طرح‌واره‌ای و مشخص کردن مفاهیم آغازین و ساز و کارهای ناظر پس از بررسی داده‌های هر وند خاص امکان‌پذیر است.

۳۵. 'ترابی (۱۳۹۳) در تعریف این ساخت تنها از ویژگی «تمتایزکننده» استفاده می‌کند.

36. reanalysis
37. W. Meyer-Lübke
38. J. Lüdtke
39. O. Panagl
40. R. Beard
41. ellipsis
42. analogy

۴۳. ابزار واژه‌های دارای چنین مفهومی به تعبیر ریئر (۲۰۱۰) ابزار پیچیده (complicated tool) و به تعبیر بوی (۲۰۱۰) عامل غیرجاندار (inanimate agent) نامیده می‌شود. نمودار ۱: نظام طرح-واره‌ای پسوند «گر» و شکل‌گیری زیرطرح‌واره ابزار

44. approximation

## ۸ منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
- ترابی، سارا (۱۳۹۳) *بررسی عملکرد وندهای اشتقاقی اسم عامل‌ساز زبان فارسی در چارچوب صرف ساخت‌محور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان.

- رفیعی، عادل (۱۳۸۶). *نگاهی به عملکرد معنایی پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی*. پایان-نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفیعی، عادل (۱۳۹۱). «صرف ساخت‌محور: شواهدی از فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی». *مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفیعی، عادل و سارا ترابی (۱۳۹۳). «وراثت و انگیختگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان فارسی». *علم زبان*. دانشگاه علامه طباطبائی. س ۲. ش ۳. صص ۴۹-۶۴.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۰-۱۳۷۲). «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر». *نشر دانش*. شماره خرداد و تیر ۱۳۷۰ تا مرداد و شهریور ۱۳۷۲.
- طباطبائی، علاءالدین (۱۳۸۴). «طرحی کلی از امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی». *نشر دانش*. س ۲۱. ش ۳. صص ۲۴-۳۱.
- طباطبائی، علاءالدین (۱۳۸۲). *اسم و صفت مرکب در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عباسی، زهرا (۱۳۹۶). «تحلیل واژه‌های غیربسیط فارسی در صرف واژگانی و صرف ساختی». *جستارهای زبانی*. د ۸. ش ۳ (پیاپی ۳۸). صص ۶۷-۹۳.
- عظیم‌دخت، نلیخا و عادل رفیعی (۱۳۹۵). «واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال از منظر صرف ساختی: مورد [X-یاب]». *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی صرف*. تهران: نشر نویسه فارسی.
- قادری، سلیمان و عادل رفیعی (۱۳۹۶). «پدیده اجبار و رویکرد نظری دستور ساخت‌محور نسبت به «آ»». *جستارهای زبانی*. د ۸. ش ۷ (پیاپی ۴۲). صص ۱۸۳-۲۰۸.
- کشانی، خسرو (۱۳۷۲). *فرهنگ فارسی زانسو*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- واحدی لنگرودی و سلیمان قادری (۱۳۸۹). «ساخت موضوعی کلمات مشتق در زبان فارسی». *زبان‌شناخت*. د ۱. ش ۱. صص ۵۷-۷۴.

**References:**

- Abbasi, Z. (2017). "Analyzing complex words in Persian in Construction Morphology and Lexical Morphology/Phonology". *Language Related Research*. 8 (3). Pp. 67-93. [In Persian].
- Anvari, H. (2002). *Sokhan Dictionary* (8 Volumes). Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Arcodia, Giorgio Francesco, (2014), "Diachrony and the Polysemy of Derivational Affixes". In F. Rainer, F. Gardani, H. C. Luschützky & W. U. Dressler (eds.), *Morphology and Meaning* (127-139). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Azimdokht, Z. & A. Rafiei, (2017), "Compound words ending in present stem based on Construction Morphology: A case of [x-yab] ". *Proceedings of 4<sup>th</sup> National Conference on Morphology*, Tehran: Neveeseh Parsi. [In Persian].
- Beard, R. (1990). "The nature and origins of derivational polysemy". *Lingua* 81.Pp. 101-140.
- Booij, G. & R. Lieber, (2004), "On the paradigmatic nature of affixal semantics in English and Dutch". *Linguistic*. 327-357.
- ----- (1986). "Form and meaning in morphology: the case of Dutch "Agent" nouns". *Linguistics*. 24.Pp. 503-517.
- ----- (2008). "Construction Morphology and the Lexicon". In F. Montermini, G. Boyé, and N. Hathout (eds), *Selected Proceedings of the 5th Décembrettes: Morphology in Toulouse*. Somerville: Cascadilla Press.
- ----- (2010). *Construction Morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2010b). "Construction morphology". *Language and Linguistics*. 3(1). Pp. 1-13.
- ----- (2015). "Construction Morphology". In. A. Hippisley & G. T. Stump (eds.), *The Cambridge Handbook of Morphology*, 424-448. Cambridge: Cambridge University Press.

- ----- (2015). "Construction Morphology". In. A. Hippisley & G. T. Stump (eds.), *The Cambridge Handbook of Morphology*, 424-448. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (2005). *The Grammar of Words* (1st edition). Oxford: Oxford University Press.
- ----- (2010a). *Construction Morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Croft, W. (2007). "Construction Grammar". In D. Geerarts & H. Cuykens (eds.), *The Oxford Handbook of cognitive linguistics*. 463- 509. Oxford: Oxford University Press.
- Fabb, N. (1984). *Syntactic Affixation*. Cambridge, MA: MIT PhD Dissertation.
- Ghaderi, S. & A. Rafiei , (1993), "Coercion and construction grammar". *Language Related Research*. 8 (7) :183-208. [In Persian].
- Goldberg, A. (1995). *Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure*. Chicago: Chicago University Press.
- Kashani, Kh. (2018). "*Zansu Reverse Persian Dictionary*". Tehran: Markaz Nashre Daneshgah .[In Persian].
- Keyser, S. J. & T. Roeper, (1984), "On the middle and ergative constructions in English". *Linguistic Inquiry*. 15. Pp.381-416.
- Lieber, Rochelle, (2004), *Morphology and Lexical Semantics*. Cambridge: CUP.
- Lüdtke, J. (2005). *Romanische Wortbildung*. Inhaltlich – diachronisch – synchronisch. Tübingen: Stauffenburg.
- Luschützky, H. Ch. & F. Rainer, (2011), "Agent noun polysemy in cross- linguistic perspective". *Language Typology and Universals*. 64(4).Pp. 287-338.
- Luschützky, H. C.(2011). "Agent-Noun Polysemy in Slavic: Some Examples". In: Luschützky, Hans C.& Rainer, Franz (eds.), *Agent noun polysemy in Indo-European languages*. Special issue of Sprachtypologie und Universalienforschung 64(1). Pp. 75–97.
- Meyer- Lübke, W. (1890). *Italienische Grammatik*. Leipzig.

- Panagl, O. (1978). "Agens und Instrument in der Wortbildung". In W. U. Dressler & W. Meid (eds.), *Proceedings of the 12th International Congress of Linguists*. Vienna, August 28- September 2, 1977, 453- 456. Innsbruck: Innsbrucker Beitrage zur Sprachwissenschaft.
- Panagl, O. (1975). "Kasustheorie und Nomina Agentis". In H. Rix (ed.), *Flexion und Wortbildung. Akten der V. Fachtagung der Indogermanischen Gesellschaft, Regensburg*, 9 – 14 September 1973, 232 – 146. Wiesbaden: Reichert.
- Rafiei, A. & S. Torabi, (2014), "Inheritance and motivation of form and meaning in lexicon: Instantiations of Persian word formation patterns". *Science of Language*, 2 (3) .[In Persian].
- ----- (2008). "A Study of the Semantics of Persian Derivational Suffixes". Ph.D Dissertation, Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- ----- (2012). "Construction Morphology: Some evidence from Persian word formation". *Proceedings of 8<sup>th</sup> International Conference on Linguistics*, Tehran: Allameh Tabataba'i University. [In Persian].
- Rainer, f. (2004a). "Del nombre de agente al nombre de instrument en español: ¿Cómo y cuándo?". *Iberoromania*. 59. Pp. 97-122.
- Rainer, F. (2004b). "L'origine dei nomi di strumento italiani in -tor". In Krisch, Th; Lindner, Th & Müller, U. (eds.), *Analecta homini universali dicata. Festschrift für Oswald Panagl zum 65. Geburtstag*. Vol.1. Stuttgart: Heinz. Pp. 399- 424.
- ----- (2005). "Semantic change in word formation". *Linguistics*. 43.2. Pp. 415-441.
- ----- (2011). "The agent- instrument- place "polysemy" of the suffix -TOR in Romance". *Language Typology and Universals. Persian Academy letter* (special issue). 1. Pp. 5-12.
- ----- (2014). "Polysemy in Derivation". In *The Oxford Handbook of Derivational Morphology*, Oxford: OUP.

- Sadeghi, A. (1991-1993). *Ways and Possibilities of Word Formation in Contemporary Persian*. Tehran: Nashr-e Danesh, (12 Articles) .[In Persian].
- Tabataba'i, A. (2003). *A General Description of Word Formation Processes in Persian*. Tehran: Nashr-e Danesh, 21 (3). [In Persian].
- Tabataba'i, A. (2003). *Persian Noun and Adjective Compounds*. Tehran: Markaz Nashre Daneshgahi [In Persian].
- Torabi, S. (2014). *Semantic study of Persian Agent suffixes in the framework of Construction Morphology*. MA dissertation, University of Isfahan. [In Persian].
- Traugott, Elizabeth Closs and Graeme Trousdale, (2013), *Constructionalization and Constructional Changes*. Oxford: Oxford University Press.
- Vahedi Langrudi, M. & M. Ghaderi, (2010), "Argument structure of Persian derivational words". *Language Studies*, 1 (1). Pp. 57- 74 [In Persian].